

نوشته ها، مشاهدات، مقالات خود را برای ما به این آدرس بفرستید
xyaban@gmail.com
برای اشتراك روزانه با این آدرس الكترونيكي تماس بگيريد
khyaboon@gmail.com

زنده باد حكومت مردم
زنده باد مقاومت مردمی در برابر کودتا
آزاد باد همه زندانیان سیاسی
نابود باد گاردهای كشتار
مرگ بر دیکتاتور

خیابان

شماره ۱۸۰ - چهارشنبه ۱۷ تیر ۱۳۸۸



كانون نویسندگان ایران: به سرکوب پایان دهید

فاز دوم كشتار
و ضرورت اقدامی فوری

اخباری از بازداشتها
و دستگیری ها



سیاست در خیابان

امیر ک.

خیابان مکان مبارزه سیاسی فرودستان جامعه است. در جامعه ای که دیواری ضخیم قلعه های قدرت سیاسی را از دریای مردم جدا کرده است و هیچ سخن معترض و مخالفی، در نظام سیاسی جامعه نمایندگی سیاسی نمی شود، در جامعه ای که سرکوب و دیکتاتوری عریان، هر سطحی از سازمان یابی و تشکل یابی را برای محرومین و طبقات تحت ستم جامعه ناممکن ساخته است، خیابان آن عرصه ی همواره گشوده ای است که سیاست در معنای واقعی آن جریان می یابد. کافی است توافقی نانوشته شکل بگیرد و دسته ها و گروه های مختلف چون جویبارهایی از خانه های تنگ و اجاره ای و خفقان آور خود بیرون بزنند و برخلاف هرروزه، به جای حرکت به سمت کارخانه ها و اداره ها و دفاتر کار، به مقصد خیابان جاری شوند. در هر کوچه ای این جویبارها به یکدیگر می پیوندند و نهری را شکل می دهند و با تقاطع خود در چهارراه ها راه خود را سیل وار به سوی خیابان ها بگشایند.

در لحظه ای، سیاست دگرگون می شود. سیاست رسمی و بی خون و محافظه کار و دروغ گو در سرسراهای پارلمان ها و وزارت خانه ها و روزنامه ی رسمی و مجله های تلویزیونی و رادیویی به آبی دود می شود و به هوا می رود و همه ناظران و مفسران و کارشناسان اتوکشیده با دهان هایی از حیرت گشوده و چشم هایی از حدقه بیرون زده از پشت میزهای خود بلند می شوند و به این غول می نگرند که گام های بیشمارش کل شهر را به لرزه در آورده است: مردم.

خیابان ناگهان همه آنچه را بر سنگفرش های خود تجربه می کند که سالها و دهه ها از حیات رسمی سرکوبگر جامعه حذف شده اند. آن خاویزدگانی که سیاست را از رنگین نامه های رسمی و مجراهای کاذب، اما پر زینت حاکمان دنبال می کردند در مقابل سیاست نوظهور خیابانی و تکان های زیر و رو کننده آن به عبث به دنبال تکیه گاهی می گردند تا با چسبیدن به آن، از غرق شدن در تلاطم عظیم اجتماعی نجات یابند. زهی خیال باطل.

در قلعه های قدرت پوشالی، احمدی نژاد آغاز عصر نوینی را اعلام می کند. خامنه ای پیاپی با صدایی رنگ باخته از ترس، حاکمیت الهی خود را یادآور می شود، و حاکمان چنان نقش بازی می کنند که گویی کاخ ستم آنها ابدی و زوال ناپذیر است. اما در خیابان های سیاست غیر رسمی، مردم قدرت جدیدی را کشف کرده اند. قدرتی که جنبش های زیرین و سرکوب شده آنها را به میدان عمومی آورده است. قدرتی که مترسک های اقتدار حکومتی را به تکانی به کپه ای کاه و لته های بی مصرف تبدیل می کند.



هجدهم تیر روز درهم شکستن حکومت نظامی

چاوز هم دوش دیکتاتوری مذهبی ایران، در مقابل جوانان، کارگران و زنان!

ترجمه سیمین مسگری

۲۱ ماه جون، هوگو چاوز، رئیس جمهور ونزوئلا، دریک شویی از سری شوهای تلویزیونی خود (الو پرزیدنت) جایگاه خود را در اعتراضات و صف بندی های اخیر ایران، در کنار قدرتی اعلام می کند که در کار کشتن و سرکوب دانشجویان و کارگران است. در کنار دیکتاتوری مذهبی که صدای زنان و اقلیتهای قومی را سرکوب و خفه می کند.

او می گوید: «ما سلامهای خود را به احمدی نژاد می فرستیم. رئیس جمهور بزرگ ایران و به علی خامنه ای و مردم ایران. ما از دنیا خواهش می کنیم به ایران احترام بگذارد چرا که آنان (سران کشورهای دنیا) سعی در تضعیف انقلاب قدرتمند ایران را دارند.»

چاوز ادامه می دهد: «پیروزی احمدی نژاد یک پیروزی واقعی است. آنها سعی در لکه دار کردن این پیروزی را دارند تا از این طریق دولت و انقلاب اسلامی را تضعیف کنند. ولی من می دانم که آنها قادر به این کار نخواهند بود.»

او همچنین خبر می دهد که شخصاً پس از پیروزی احمدی نژاد با او تماس گرفته تا این پیروزی را به او تبریک بگوید.

وزیر امور خارجه ونزوئلا نیز به طور شفاف و با عبارت به نام خلق حرکت ایران را به سوی دموکراتیزه شدن که پیروزی احمدی نژاد را یکی از نتایج آن می داند، می ستاید و اضافه می کند که «این پیروزی بدون شک یک پیروزی حقیقی و همانگونه که رهبر انقلاب اشاره می کند، یک معجزه الهی است.»

وزیر خارجه ونزوئلا در ادامه می افزاید: «دولت بولیواری ونزوئلا انزجار صریح خود را از این مبارزه بی ریشه و وحشی که از خارج سعی در بی اعتبار کردن ایران و تیره و کدر کردن جو سیاسی کشور برادرش را دارد، اعلام می کند.»

او می افزاید: «ما خواهان پایان سریع مانورهای هستیم که با بهتان و افتراء سعی در بی ثبات کردن این انقلاب اسلامی را دارند.»

ادامه در صفحه دو

سوء استفاده جناحی از قتل ندا آقا سلطان

شاهرخ رئیسی، سردبیر سایت اثر

,تحریف واقعیت و سو استفاده‌ی جناحی از مرگ کسی نه با اخلاق خبرنگاری همخوان است و نه با اصول انسانی.., این روزها که سرکوب و سانسور دولتی بیداد می‌کند و نشریات وابسته به حکومت و رسانه‌های ملی چون صدا و سیما بدل به تربیون دسته‌ی خاصی شده‌اند از همه چیز سوء استفاده‌ی جناحی شده و واقعیت مخدوش و گاه واژگون عرضه می‌شود. در این میان دیدن کرداری مشابه در برخی سایت‌های به ظاهر اصلاح طلب و دموکرات بسی دربار تر است.

اگر بتوان تندروی و تعصب افراط گرایان مذهبی را به پای جهلشان گذاشت، تحریف واقعیت و دروغ‌گویی‌ی برخی اصلاح طلبات مدعی‌ی دموکراسی و حقوق بشر را چگونه می‌توان توجیه کرد؟

یکی از بهترین و شاید گسترده‌ترین مثال‌ها در این زمینه تحریف و وارونه جلوه دادن حقیقت در رابطه با کشته شدن ندا آقا سلطان است. در نشریات اصول گرایان مرگ ندا را به منافقان و بیگانگان نسبت می‌دهند و حتی بجای تشکر از روشنگری‌ی شاهدی عینی(آرش حجازی) حکم تعقیب و دستگیری‌اش را صادر می‌کنند. از طرف دیگر اصلاح طلبات طرفدار کاندیدایی خاص ، ندا را ,شهید راه سبز, می‌خوانند و بر خلاف گفته‌ی صریح و مکرر کاسپین ماکان, نامزد ندا این واقعیت را نادیده می‌گیرند که موضع ندا تحریم انتخابا ب بوده است و نه طرفداری از کاندیدایی خاص. آنچه در هر دوی این رفتارها از کف می‌رود حقیقت است و البته زیر پا گذاشتن اصول خبرنگاری.

این بی اخلاقی‌ی مطبوعاتی دامن اصلاح طلبان سایت روز را هم آلوده کرده است!

سایت روز, ارگان برخی اصلاح طلبان در اقدامی غیره منتظره مصاحبه‌ی اختصاصی‌ی سایت اثر با جانی مادلن ترانه‌سرای کانادایی را به صورت دستکاری شده در بخش هنر سایت روز به سرپرستی آقای هوشنگ اسدی منتشر کرده است!

این مصاحبه که توسط خانم فرزانه بدیعی برای ویژه‌نامه‌ی ندا در سایت اثر انجام شده بود, پیشتر با تیترو مقدمه‌ای کاملن متفاوت منتشر شده بود. سایت روز بدون هیچ اجازه یا هماهنگی آنرا کپی, دستکاری و در سایت خود منتشر کرد. از آنجا که تیترو مقدمه‌ی مصاحبه دستکاری شده بود ما سرعین با سایت روز تماس گرفتیم. سایت روز اما حاضر به تصحیح اشتباه خود نشد. در مقدمه ما نوشته شده بود که ندا توسط ,شبه نظامیان رژیم, کشته شده است. اینهم ادعای ما نبود بلکه بر اساس صحبت‌های آقای آرش حجازی, شاهد حاضر در محل قتل به آن استناد کردیم. در سایت روز, که متعلق به به اصلاح اصلاح‌طلبان است این جمله مصاحبه حذف شده است. بخش مهم دیگر از مقدمه‌ی تحریف شده سایت روز اشاره آن سایت به پیوستن جانی مادلن به جنبش سبز است. آقای جانی مادلن که اتفاقن در این مدت بیشتر او آشنا شده ایم از همان روز اول تاکید داشت

که صرفن برای ,آزادی‌ی مردم ایران, و ,کشته شدن ندا, ترانه گفته است و نه حمایت از جنبش سبز یا کاندیدای خاصی. از طرفی آقای کاسپین ماکان, نامزد زنده‌یاد ندا آقا سلطان نیز به صراحت و روشنی از کار کسانی گله کرد که ندا را می‌خواهند به رنگ خاصی بچسباندند. ایشان موقع مصاحبه با بی بی سی افزود: ندا معتقد بود هیچ کدام از کاندیداهای حاضر خواست‌های او را بر آورده نمی‌توانند بکنند. با توجه به این اطلاعات مستند ما هم در ویژه‌نامه ندا سعی کردیم او را به ناحق به جریان و دسته‌ای نسبت ندهیم. آقای کاسپین ماکان در هنگام مصاحبه‌اش با بی بی سی, دو روز پس از مرگ ندا افزود که نامزدش صرفن خواستار ,آزادی برای همگان, بود و به همین دلیل به خیابان رفت.

با توجه به همه‌ی این اطلاعات مهم و غیره قابل چشم پوشی سایت روز در مقدمه‌ای که خود به مصاحبه‌ی ما افزوده است ندا و جانی مادلن را به صورت ناشیانه‌ای به ,جنبش سبز, چسبانده است! بخش هنر سایت روز به سرپرستی آقای هوشنگ اسدی نه تنها مطلب اختصاصی‌ی ما را بدون اجازه دستکاری و منتشر کرده است بلکه جمله‌ای کلیدی و مهم در مقدمه‌ی ما را که مربوط به قاتل ندا می‌شد حذف کرده و بی انصافانه تر آنکه سعی کرده کل ماجرا را به ,جنبش سبز, و کاندیدا و دسته‌ی خاصی بچسباندند. سایت روز حتی به تقاضای ما مبنی بر اصلاح خطایش نیز هیچ واکنشی نشان نداده است. اولین پرسش مصاحبه‌ی ما با آقای جانی مادلن ترانه‌سرای کانادایی که در حکم مقدمه‌ای برای آماده کردن ذهن خواننده با موضوع مصاحبه است چنین بود:

فرزانه بدیعی:

,سلام جانی. ممنون که پیشنهاد این مصاحبه با سایت اثر را پذیرفتید. روز گذشته ترانه‌ای از شما در سایت یوتوب منتشر شد و گویا الان هم در صدر پربیننده‌ترین فیلم‌های یوتوپ کانادا قرار گرفته است. موضوع این ترانه مربوط به دختری می‌شود که یک روز قبل از آن در خیابان‌های تهران با گلوله‌ی شبه نظامیان رژیم کشته شده بود.



چطور از ندا و مرگش با خبر شدید؟

قسمت بالا که جزئی جدایی ناپذیر از مصاحبه‌ی سایت اثر است توسط بخش هنر سایت روز حذف شده و بجای آن پاراگراف زیرین آمده است:

,جانی مادلین, خوانده‌ی کانادایی, نخستین هنرمندی بود که در سوگ ندا همراه جنبش سبز ایران شد تا در ادامه ی راهی که او آغاز کرد, هنرمندان بسیاری از چهارگوشه ی دنیا با ایرانیان همگام شوند. گفت و گوی فرزانه بدیعی با این هنرمند کانادایی, پیش روی شماست...

چطور از ندا و مرگش با خبر شدید؟ ,

در بخش, دربارہ ما, در سایت روز می‌خوانیم: ,این روزنامه, محصول مشترک جمعی از روزنامه نگاران مستقل و اصلاح طلب مدافع دموکراسی و حقوق بشر در داخل و خارج ایران است. یک شورای سردبیری, وظیفه تعیین سیاست های روز را به عهده دارد.,

متاسفانه بی اخلاقی‌ی حاکم بر فضای رسانه های گروهی کشور تنها خاص اصول گرایان دولتی چون خبرگزاری‌ی فارس یا صدا و سیما نیست بلکه اصلاح طلبان به ظاهر مترقی‌ی خارج نشین را نیز به ننگ خود آلوده کرده است. تحریف واقعیت و سو استفاده‌ی جناحی از مرگ کسی نه با اخلاق خبرنگاری همخوان است و نه با اصول انسانی.

فاز دوم کشتار و ضرورت اقدامی فوری

مبین حصوری

خبرهایی که در مورد وضعیت بازداشت شدگان اعتراضات اخیر به گوش می‌رسد بسیار اسفبار و نگران کننده است. اخباری که به طور جسته و گریخته از منابع مختلف و گزا ش های فردی پراکنده می‌رسد، حاکی از شکنجه های بیرحمانه تا سر حد مرگ است و البته دژخیمانی که در پیش روی هزاران تظاهر کننده و در برابر چشم صدها دوربین عکاسی و فیلمبرداری از به گلوله بستن مردم پروایی ندارند، در خلوت شوم سیاهچال های خود هم باکی از کشتن برادران و خواهران ما نخواهند داشت؛ چرا که برای آنها انکار این قتل ها بسیار ساده تر از انکار قتل ندا و صدها جوان آزاده چون اوست. حکومتی که حتی تحویل جنازه های جان باختگان به خانواده های داغدار آنان را مشروط به پذیرش شرط هایی وقیحانه می‌سازد (در مواردی که اساسا پیکرهای قربانیان را تحویل دهند)، همان نظامی که دستگاه تبلیغاتی آن به سادگی خرد کننده ای حقایق را وارونه جلوه می‌دهد، بدون شک برای بقای عمر ننگین خود به هر کاری دست می‌یازد، به ویژه آنکه در تمامی این سالیان سیاه, حاکمان نامشروع سرزمین ما نشان داده اند که تنها اصلی که بدان پای بندند, اصل بقاست (و طبعاً به هر قیمتی)؛ بروز چنین توحشی اینک که ماهیت پلید و ستمگر حاکمان بر همگان عریان شده و رهبر و حواریون مسلح اش علناً «کشتار درمانی» را به عنوان راه حل نهایی خاموش کردن نداهای حق طلبانه ی مردم برگزیده اند, بی گمان ابعاد فاجعه بارتتری خواهد داشت. (اعدام ۲۰ نفر زندانی در یک روز – با هر ترکیبی که برای قربانیان متصور شویم– معنایی جز اعلام و تایید رسمی پروژہ ی کشتار درمانی ندارد).

شکنجه های بازداشت شدگان علاوه بر وادار کردن آنان به اعترافات ساختگی, و نیز تشدید جو ارباب و وحشت در میان مردم و ناامید ساختن آنها از ادامه ی راه, در عین حال با هدف حذف فیزیکی جوانان و نیروهایی انجام می‌شود که در تظاهرات های اعتراضی مختلف حضور فعالی داشته اند تا بدین طریق ناآرامی های اجتناب ناپذیر آینده با «سهولت» بیشتری از سوی حکومت مهار گردد (به قول کیهان کور کردن چشم فتنه). برای این کار آنها علاوه بر بازداشت های انجام شده, به شکار جوانان از طریق جستجو در عکس ها و فیلم های متعددی که توسط مزدورانشان در حین تجمعات اعتراضی تهیه شده روی آورده اند و حتی در کمال وقاحت با انتشار عمومی عکس ها, مردم را برای شناسایی «اغتشاش گران» به «همکاری» با نیروهای امنیتی دعوت کرده اند.

این فرآیند شوم را تنها می‌توان با قلع و قمع آزادیخواهان شیلی پس از کودتای ۱۹۷۳ پینوشه یا کودتای حزب بعث عراق قیاس کرد. البته ابعاد واقعی و دهشتبار این جنایت ها تنها در آینده ای نامعلوم روشن خواهد شد, به همان سان که هنوز از تعداد واقعی جان باختگان و تعداد و سرنوشت ناپدید شدگان هفته های اخیر اطلاعات قابل اتکایی در دست نیست. چیزی که به رسانه های بزرگ دنیا این امکان ساده انگارانه و غیر مسئولانه را می‌دهد که برای ذکر تعداد قربانیان به آمار ارائه شده از سوی دولت ایران استناد کنند! (تا با آسودگی خاطر بیشتری برنامه های خود را به پوشش دادن زیر و بم زندگی و مرگ مایکل جکسون و نظایر ان اختصاص دهند).

در این میان بر همه ی ما ایرانیان است که با تمام توان خود, از طریق اطلاع رسانی و تداوم و گسترش حرکت های اعتراضی و حمایتی (در اشکال متنوع و امکان پذیر) نگذاریم عزیزان مان در سیاهچال های مخوف این حکومت قرون وسطایی بیش از این شکنجه و تحقیر و مرگ را تجربه کنند؛ شرایطی که به مراتب از مرگ آنی دشوارتر است. در این راستا به ویژه ایرانیان بیرون از مرزها اینک مسئولیت سنگین تری بر دوش دارند, چرا که از امکانات بیشتر و ایمن تری برای اطلاع رسانی و تجمعات و کارزارهای هشدار دهنده و حمایتی برخوردارند که می‌بایست با همبستگی و انسجام در جهت تاثیر گذاری بر افکار عمومی جهان و جلب حمایت های بین المللی برای متوقف کردن فجایع جاری در ایران به خدمت گرفته شود.

این مسئولیت بی گمان بسیار فراتر از بسنده کردن به کارزارهای اینترنتی برای آزادی چهره های سرشناس بازداشت شده از جناح اصلاح طلب و نظایر آن می‌باشد. باید بدون هیچ تبعیضی و با تمامی امکانات و راهها, صدای همه ی بی صدایان باشیم تا این فاجعه ی انسانی و ملی را همان گونه که هست با تمامی زشتی ها و عمق و گستردگی آن بازتاب دهیم.



